رنج از پی رنج آید!

پای سروده‌های جعلی دوباره به برنامه دورهمی باز شد؛ این‌بار مولانا از زبان دکتر انوشه

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

روایت روز

شاید اشکال کار از آنجایی است که برای پی بردن به صحت و سقم و پیداکردن اصل و مرجع سخن یا شعری، به‌جای رجوع به کتاب‌ها و منابع معتبر و مکتوب، به سراغ فضای مجازی رفتیم و گوگل و اینترنت؛ فضایی که کافی است در آن ۲کلمه کنار هم بگذاریم تا هزاران صفحه بی‌ربط و باربط مقابل چشمانمان باز شود. نتیجه کار هم این می‌شود که همچنان خیلی‌ها «گاهی گمان نمی‌کنی ولی خوب می‌شود/ گاهی نمی‌شود که نمی‌شود که نمی‌شود» را که بارها و بارها و به‌صورت موکد گفته‌اند سروده قیصر امین‌پور نیست، متعلق به او می‌دانند. اتفاقی که به‌جز قیصر، برای خیلی از نویسنده‌ها و شاعران دیگر ما هم رخ داده است. نمونه تازه‌تر آن می‌شود شعری که دکتر محمود انوشه در روزهای گذشته در برنامه دورهمی خواند و گفت که از سروده‌های مولاناست، در صورتی که این‌گونه نبود: «هر لحظه که تسلیمم در کارگه تقدیر/آرام‌تر از آهو بی‌باک‌تر از شیر/هر لحظه که می‌کوشم در کار کنم تدبیر/رنج از پی رنج آید زنجیر پی زنجیر».

مولانا، سردمدار اشعار جعلی

بیش و کم، مدت زیادی از پخش این قسمت برنامه دورهمی گذشته است. بااین‌حال، بریده‌هایی که بعد از پخش همچنان در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شد، باعث شد پویش مبارزه با نشر جعلیات که حالا مدتی است هم‌وغم خودش را روی زبان و ادبیات فارسی گذاشته است، با یادآوری این نکته که پیش‌تر اعلام کرده بود این بیت‌های منسوب به مولانا جعلی است، دوباره در یادداشتی بنویسد: «غم‌انگیز است که جعل این‌گونه چون بوته‌ای عبث و هرز بر همه شئونات جامعه ادبی و هنری ریشه دوانده و به فضای مجازی و حقیقی زندگی ما راه یافته است، آن هم به‌وسیله افراد نام‌آشنا!» شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید این پویش شامل عده‌ای از استادان دانشگاه، دانشجویان ادبیات و تاریخ و خانواده شعرا از جمله بهار مشیری، آنا پناهی، آیه امین‌پور، علی بهبهانی و زردشت اخوان می‌شود که هدفشان مبارزه با جعلیات است. بنا بر گفته‌های مدیر این پویش، تا تابستان ۱۳۹۷ تعداد ۵۵۷نمونه جعلی شناسایی شد که از این میان ۱۰۳اثر به مولانا، ۵۰اثر به شاملو، ۴۴اثر به سهراب سپهری، ۴۴اثر به صادق هدایت، ۶۶اثر به حسین پناهی، ۳۴اثر به فروغ فرخزاد و ۳۳اثر به سیمین بهبهانی نسبت داده و منتشر شد. اتفاقی که کافکا، مارکز، گاندی و... هم از آن بی‌نصیب نمانده‌اند.

مولانا می‌فرماید:
هر لحظه که تسلیمم در کارگه تقدیر
آرام‌تر از آهو بی‌باک‌تر از شیرم!!!

طرح: محمدرضا میرشاه‌ولد | شهرآرا

مشکل واقعا همین ۲بیت نیست

در میان نظرهای کاربران درباره داستان پیش‌آمده در برنامه دورهمی، عده‌ای معتقد بودند که تمرکز روی اصلی یا جعلی بودن این شعر چندان لزومی ندارد و چیزی که مهم است بن‌مایه شعر و حرفی است که می‌زند. بااین‌حال، شاید وقتی چاپ شعرهای اشتباهی از شاعران بنام را در کتاب‌های درسی و آموزشی به خاطر بیاوریم، نتوان خیلی ساده از کنار این ماجرا گذشت. نکته‌ای که اسماعیل امینی، شاعر و منتقد، چندی پیش به آن اشاره کرده و گفته بود: «ناشری پرآوازه که کتاب کنکور ادبیات در شمارگان بسیار زیاد و آموزش زبان و ادب فارسی برای ده‌ها هزار داوطلب کنکور منتشر می‌کند، همین جعلیات را به‌نام شعر، آن هم شعر قیصر امین‌پور در کتاب می‌آورد، یعنی کتابی که وظیفه‌اش آموختن قواعد شعری و از جمله وزن و قافیه و دستور زبان است، به‌دست کسانی تهیه می‌شود که ساده‌ترین قواعد شعر و زبان فارسی را نمی‌دانند». آنا پناهی، دختر حسین پناهی، نیز مدتی پیش درباره این قبیل اتفاقات گفته بود: «فضای مجازی تأثیر بسیاری در تحریف آثار پدرم داشته است و به جرئت می‌توان گفت که نقشی مخرب در به‌وجود آمدن این قضیه داشته است. البته کسانی که برای خواندن مطالب و اشعار وی به این فضا رجوع می‌کنند هم به همین اندازه مقصر هستند.»

سلبریتی‌هایی که نطق می‌کنند

در برنامه دورهمی پیش از این هم از این گاف‌ها اتفاق افتاده است. شاید شما هم خاطرتان باشد زمانی را که پرویز فلاحی‌پور میهمان مهران مدیری بود و در قسمتی از برنامه با یادی از قیصر امین‌پور خواند: «گاهی دلم برای گریه تنگ می‌شود!» البته نمونه‌های این‌چنینی بیشتر از این‌هاست. پرواز همای، محمدرضا گلزار، پرویز پرستویی و تهمینه میلانی همگی جزو کسانی هستند که بارها متن‌ها و جملات و شعرهایی را به اشتباه از شاعران نام‌آوری نقل کرده‌اند، بدون اینکه از درستی آن اطلاع داشته باشند. صفحاتی که مخاطبان زیاد و متفاوتی دارند و جالب‌تر اینکه خیلی اوقات همین نقل‌قول‌ها بهانه‌ای می‌شود برای گوشزدکردن و حرف‌هایی با زمینه نصیحت‌کننده و تلاش برای فرهنگ‌سازی. حالا در کنار این‌ها بگذارید بلاهای دیگری را که آرام‌آرام دارد به سر زبان و ادبیاتمان می‌آید، مثل جمله‌بندی‌های ابتکاری و کلمات نصفه‌نیمه با املاهای عجیب‌وغریب که بین قشر نوجوان حسابی رایج شده است و معلوم نیست اگر اوضاع به همین منوال پیش برود تا چند صباح دیگر چیزی از زبان و ادبیاتمان باقی می‌ماند یا نه. به‌قول هوشنگ ابتهاج: «من نگرانی‌ام این است که ۱۰۰سال دیگر مثلا فقط چند متخصص باشند که زبان فارسی را بلد باشند و اصلا این زبان دیگر وجود نداشته باشد. یک چندتایی متخصص باشند که ما یک کتاب ببریم پیششان بگویند بله، این کتابی است مال خواجه حافظ شیرازی که پیشترها شب چله از تویش فال می‌گرفتند. آن متخصص کتاب را بخواند و با زبان آن زمان برای ما تعریف کند.»

سوژه روز

شایعه از قارچ سمی‌تر است

خبر ساختگی پخش قارچ سمی در بازار موج نگرانی را در فضای مجازی برانگیخت

محمدناصر حق‌خواه
Mn.haghkhah@shahraranews.ir

در دوره‌ای که فضای‌مجازی هنوز این‌قدر همه‌گیر نشده بود و قطب اصلی خیلی از مردم برای اطلاع از وضعیت پیرامون و اخبار روز نبود، رسانه‌های رسمی مرجع بودند و به همین دلیل کمتر پیش می‌آمد که خبری جعلی یا شایعه‌ای بی‌اساس پخش شود، زیرا افرادی پشت مجرای رسانه‌ها نشسته بودند و مدیریت خبررسانی را در دست داشتند که با خیلی از فنون خبر و تشخیص خبر جعلی از غیرجعلی آشنا بودند. اما اگر طور دیگری به ماجرا نگاه کنیم، گسترش رسانه‌های مجازی که با سرعت و وسعت زیاد اخبار را منتشر می‌کنند، این خوبی را دارد که تکذیب یک خبر جعلی هم به‌سرعت منتظر می‌شود. در سال‌های گذشته تقریبا ناممکن بود که یک شایعه وقتی در جامعه پخش شد، پس گرفته شود و از ذهن مردم خارج شود. در روزهای گذشته بین اخبار اقتصادی و شایعات همیشگی سیاسی و امنیتی، خبری مبنی بر پخش‌شدن قارچ‌های سمی در سطحی گسترده منتشر شد. بخشی از پیامی که به‌شکل گسترده دست‌به‌دست می‌شد، این‌طور بود: «مسئله بسیار خطرناکی اتفاق افتاده است! مراقب باشید! موضوع قارچ جدی شده است. الان رادیو شیراز اعلام کرد به همه عزیزان بگویید به‌هیچ‌وجه سالاد بیرون که قارچ دارد نخورند. تا اطلاع ثانوی قارچ مصرف نکنید. یک بیماری کشنده بد و مربوط به قارچ شیوع پیدا کرده است. لطف کنید اطلاع‌رسانی کنید.» ماجرای پخش قارچ سمی سال‌هاست که هرچند ماه یک‌بار بیرون می‌آید و عده‌ای را می‌ترساند و بازار عده‌ای دیگر را کساد می‌کند. کافی است جست‌وجوی ساده‌ای در اینترنت بکنید تا ببینید که از سال ۹۰ تا همین امروز، آرشیو اخبار مربوط به قارچ سمی چقدر پروپیمان است! اما ماجرا این‌بار به‌علت پخش گسترده در فضای‌مجازی پیچیده‌تر شد. در پیامی دیگر که در بسیاری از گروه‌های خانوادگی و دوستانه دست‌به‌دست می‌شد، آمده بود: «فعلا قارچ نخرید. ۲۴نفر کشته شدن. ۱۲نفر رو هم فرستادن بیمارستان برای پیوند کبد و ۴۵۰نفرم مسموم شدید شدن. نمی‌دونن از کجا اومده. به‌هیچ‌وجه بسته‌بندی و فله‌ای نخرید.» بعضی هم برای پربازدیدشدن کانال‌هایشان و بازنشر هرچه بیشتر این خبر جعلی، مسئولیت اجتماعی بی‌خودوبی‌جهتی را بر گردن مردم می‌انداختند: «دوستان اطلاع‌رسانی برای قارچ حیاتیه. الان برای پیوند آوردنشون بیمارستان نمازی. ۱۲نفر کبدشون از کار افتاده. نمی‌دونن از کجا اومده؟! سرتاسر ایران قارچ سمی پخش شده؟!» این خبر چند روز بعد تکذیب شد و مهدی رجبی، رئیس انجمن پرورش‌دهندگان قارچ خوراکی، در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان گفت: «عرضه قارچ سمی به بازار صحت ندارد. این خبر مربوط به سال ۹۷ است و وزارت جهاد و انجمن این موضوع را رد کرده است، زیرا با نصب بنر در رویشگاه‌های جنگلی اطلاع‌رسانی لازم به افراد شده است.» شاید اگر خبر سراسر دروغ عرضه قارچ سمی در رسانه‌ای رسمی منتشر می‌شد، باید مسئولان آن رسانه را مقصر می‌دانستیم، اما حالا که از جاهای نامعلوم، اخباری عجیب به بدنه جامعه تزریق می‌شود، این مسئولیت برعهده خودمان است که سواد تشخیص خبر رسمی از غیررسمی را داشته باشیم. اما بیایید چند قانون را با هم مرور کنیم تا در برابر جعلیات تا حدی ایمن شویم: اول اینکه هیچ خبری، مطلقا هیچ خبری را که از منبعی رسمی بازنشر نشده است یا نام خبرگزاری خاص یا مسئول رسمی در آن نیست را باور یا منتشر نکنیم. دوم اینکه اگر میل زیادی به بازنشر یک پیام در فضای‌مجازی داریم و در متن خبر نوشته شده که به نقل از منبعی خاص است، پیش از هر کاری به کانال رسمی آن صفحه یا سایت آن خبرگزاری یا صفحه شخصی فرد مسئولی که خبر به نقل از اوست، مراجعه کنیم تا از اصل چنین خبری مطمئن شویم. سوم اینکه اخباری که با کلی علامت تعجب و سؤال و ایموجی‌های مختلف و ادبیات ضعیف و غیررسمی به دستمان می‌رسد و از خطری جدی و زودهنگام حرف می‌زند، خبر نیستند! این‌ها پیام‌هایی هستند مثل جوک‌های مجازی با خاصیت ترس‌پراکنی و جذب دنبال‌کننده. بی‌شک، این یادداشت اولین و آخرین یادداشتی نیست که درباره خبری جعلی با انتشار گسترده در فضای‌مجازی نوشته می‌شود و خبر قارچ‌های سمی هم آخرین شایعه فضای‌مجازی نیست. اما بهترین راهی که اکنون دراین‌زمینه وجود دارد، آموزش و آموزش و آموزش است تا شاید اندکی قبل از زدن دکمه بازنشر یک پیام برای نزدیکانمان فکر کنیم که از اساس، آیا این خبر واقعی است؟!

Tweets

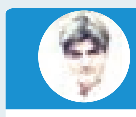

هومن خوش‌اندیش | روان‌شناس
@Eshgh_ast

#ریزش_بورس در این حد، یعنی افسردگی و اضطراب شدید برای میلیون‌ها سهامدار. کسانی که در ماه‌های گذشته با امید و تشویق دولت وارد بورس شدند، حالا با احساس درماندگی، بی‌پناهی و کابوس رو به رو هستند. آیا کسی هست که توجه کند انتشار ناگهانی افسردگی و ناامیدی در میلیون‌ها نفر یعنی چه؟!

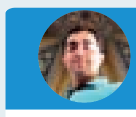

بهنام صمدی | خبرنگار اقتصادی
@behnamsamadi_ir

بازارگردان‌ها و حقوقی‌ها اعتماد مردم به بورس را سلاخی کردند، دولت و مجلس هم با اظهارات و موضع‌گیری‌های غلط، سونامی فروش به راه انداختند.

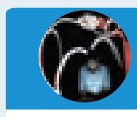

سینا رحیم‌پور | روزنامه‌نگار
@sinarahimpour

یه زمانی شاخص آلودگی هوا کوه دماوند بود، اگه دیده می‌شد یعنی آلودگی کم بود. حالا کارمون به‌جایی رسیده که شاخص شده برج میلاد. اگه دیده بشه، یعنی هوا کمتر آلوده‌ست. حالا هی شما مازوت بسوزون.

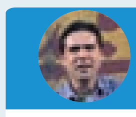

عبدا... مقدمی | طنزنویس
@moghaddamy0007

دلارجان! اصلا بشی ۱۰۰۰تومن، فکر می‌کنی می‌تونی ۱۰۰تومن از قیمت شیر و تخم‌مرغ و کشک و... بندازی؟!

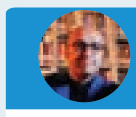

سیاوش صفاریان‌پور | مجری
@s_saffarianpour

کار بهترین پادزهر اندوهه.
شرلوک هولمز

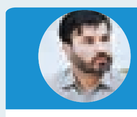

مجتبی محمودی | فعال فرهنگی و اجتماعی و مدرس رسانه
@m_mahmoodi_m

خودش را ترور کردند، فرزندانش را شهید! با فروغ آفتاب عالم‌تاب شبستان خورشید هشتم چه می‌توانند بکنند؟ مأمون امروز، #ترامپ ملعون، است که #آستان‌قدس_رضوی و تولیتش را #تحریم می‌کند و نمی‌داند که خورشید نمی‌شکند، چون در دل‌ها خانه دارد و عالم آینه‌بندان مهر امام رئوف رضاست. #همه_خادم_الرضاییم

جدول شماره: ۳۱۲۳

طراح: محمدرضا علیزاده

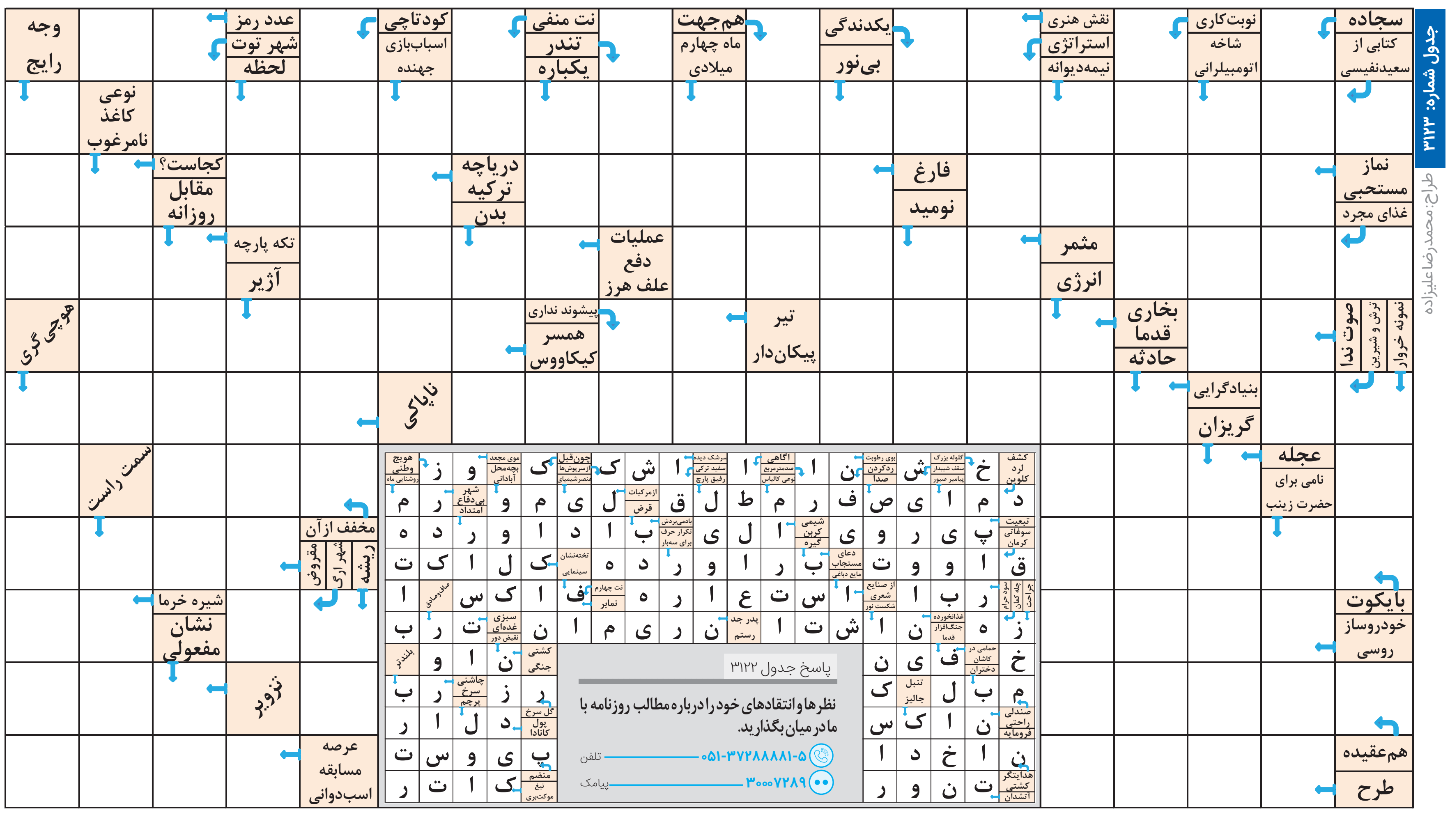

پاسخ جدول ۳۱۲۲

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

سودوکو شماره ۱۴

۸	۷	۶		۹			۵	۲
					۴	۸	۷	۳
			۸	۵			۹	
	۶	۵			۸			۹
	۹			۶		۷	۳	
	۳	۲	۹	۷	۵	۶	۱	
۳						۵	۶	
	۱	۹		۴		۳	۸	
۶		۷		۳	۱			

پاسخ شماره ۱۴

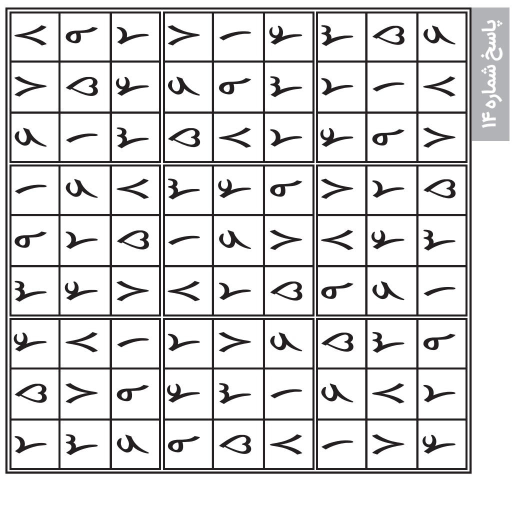

با هم بشنویم
دلتنگی
خواننده: امیر تاجیک
آهنگساز: امیر تاجیک
ترانه سرا: منصوره میرفتاح